

انقلابیون در روز ۲۲ بهمن ۵۷ دارند، تداوم انقلاب است و مردم تشخیص دادند که سقوط رژیم پهلوی نه پایان انقلاب بلکه آغاز انقلاب است.

○ مقایسه سرانجام انقلاب ها

بعد از گذشت ده سال و برای رسیدن اهداف بسیار کلان، هم انقلاب روسیه و هم انقلاب فرانسه با درگیری های میان انقلابیون منجر به دیکتاتوری شد. در فرانسه دیکتاتوری ناپلئون و در روسیه دیکتاتوری استالین به حکومت رسیدند. و همان وضعیتی که قبل از انقلاب بر این دو کشور حاکم بود، بعد از گذشت ده سال دوباره حکم فرما شد.

ولی در انقلاب اسلامی این اتفاق نیافتاد، الان ۳۷ سال از انقلاب ما می‌گذرد و در این ایام مطلقاً انقلاب اجازه نداده است که نظام به سمت دیکتاتوری برود و سرنوشت این نظام و انقلاب در دست مردم است و این مردم هستند که تصمیم‌گیری می‌کنند و الا انقلاب بعد از گذشت این سال‌ها به دیکتاتوری‌هایی تبدیل شده بود و مردم همگی از صحنه خارج شده بودند. در ۳۷ سال گذشته آمریکا تنها در داخل جامعه ما ۱۸ توطئه طراحی کرد، به طور میانگین هر دو سال یک توطئه، آن هم برای براندازی نظام، از نزاع‌های قومی گرفته تا ایجاد گروه‌های تروریستی، فتنه‌ها، کودتاها، حملات نظامی، جنگ و... و در همه این توطئه‌ها شکست خورد.

انقلاب ایران نه تنها توانست ثبات خود را بدست آورد بلکه جنگ خود با استکبار را نیز در صحنه بیرونی و جهانی ادامه داد و موفقیت‌های عظیمی بدست آورد. چه در یمن، سوریه، افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین و چه در خارج از منطقه، مانند کشورهای امریکای لاتین و حتی در خود ایالات متحده.

○ جایگاه اعتقادات و مذهب در انقلاب ها

بر خلاف آن دو انقلاب که یکی از آن‌ها بر اساس مکتب لیبرالیسم و داعیه دار جدایی دین از سیاست، و دیگری بر اساس مکتب مارکسیسم، دین را افیون ملت‌ها می‌دانست، انقلاب اسلامی با افکار و عقاید مردم مقابله نکرد بلکه افکار و عقاید دینی مردم را در جهت انقلاب به کار گرفت و منجر به تشکیل این نهضت عظیم شد.

مکتب‌های لیبرالیستی و مارکسیستی، مکتبی بومی نبودند و مردم با آنها آشنا نبودند و این تفکرات صرفاً در میان نخبگان بود و مردم در حرکت آنها سهیم نبودند.

ولی امام و انقلاب اسلامی بر روی نخبگان تکیه نکرد، بلکه بر روی توده‌های مردم تکیه کرد. وقتی فرمایشات حضرت امام را می‌بینیم و می‌شنویم، درمییابیم که ایشان به ساده‌ترین زبان، پیچیده‌ترین تئوری‌های انقلابی را برای مردم بیان می‌کردند و

صداقت، تقوا و تعبدی که مردم نسبت به رهبری داشتند باعث استحکام بیشتر در انقلاب ما شد.

○ مقایسه ابعاد مختلف انقلاب ها

هر انقلاب می‌تواند ابعاد مختلفی را در بر بگیرد، برای مثال در انقلاب فرانسه بعد سیاسی مطرح بود و انقلابیون خواستار آزادی به شیوه دموکراسی غربی بودند و می‌خواستند این چنین نظامی بر کشورشان حاکم شود.

انقلاب روسیه نیز بر مبنای مکتب مارکسیسم به دنبال عدالت اجتماعی و برابری مردم فارغ از همه ویژگی‌های خاص آن‌ها مطرح بود و در هیچ‌کدام هم توجهی به اهداف دراز مدت به معنای این‌که انقلاب بتواند بشریت را نجات دهد نبود، حتی مارکسیسم که کمی بُعد جهانی داشت تمرکزش روی کارگران بود.

ولی انقلاب اسلامی چون بر مبنای مکتب اسلام بود، نجات کل بشریت را در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در اهداف خود دنبال می‌کرد و در بین همه این ابعاد پیش‌تر بر روی انقلاب فرهنگی تمرکز داشت، یعنی انقلاب تغییر روحیات و حالات و ارزش‌ها.

○ شرایط رهبران انقلاب ها

در فرایند انقلاب فرانسه چهره‌هایی مانند لافایت ،

روسیسیر ، «دوک د . اورلئان» مطرح هستند که هیچ کدام رهبری انقلاب را در تمامی دوران شکل‌گیری و پیروزی آن به طور جامع در دست نداشتند و انقلاب از رهبری واحد برخوردار نبود دگرگونی‌های متعدد در تغییر رهبران سیاسی به وجود آمد که موجب بی‌اعتمادی به رهبران انقلاب شد.

در روسیه لنین که از چهره‌های شاخص و برجسته تاریخ انقلاب روسیه است. وی دارای امتیازات و استعدادها و نبوغ مشخصی بود که در عملی شدن انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ نقش اصلی و محوری داشت. در حالی که در سقوط رژیم رومانوفها در فوریه همان سال نقشی نداشت . در دوران انقلاب فوق با چهره ای با ویژگیهای ایدئولوژی و فرمانده انقلاب برخورد نمی‌کنیم چهره‌های این انقلاب نه ایدئولوگ انقلاب بودند و نه فرمانده آن ، بلکه سازندگان و معماران بعد از انقلاب بودند . آنها اشخاصی بودند

که بر اسب سرکش تحولات بعد از سقوط نظام سوار شده و در سیر تحولات بعدی اثر گذارند. و پس از وی رهبری با روی کار آمدن استالین و خشونت و دیکتاتوری شدید او در اداره امور مواجه شد که موجب انزجار مردم از رهبری گردید.

در انقلاب اسلامی رهبری انقلاب حضرت امام خمینی (ره) بویژه با برخورداری از جایگاه مرجعیت دینی و با نبوغ قدرت و ویژگی‌های خاصی داشتند. نقش ایدئولوگ، فرمانده و معماری انقلاب را به

نحو احسن و در طول ربع قرن از حیات پر برکت خود را برعهده گرفته و ایفاء کردند. مردم به رهبری اعتماد تاریخی داشتند که این اعتماد از بروز بی‌ثباتی در کشور جلو‌گیری کرد.

○ بازتاب، صدور و سرانجام انقلاب ها

بازتاب انقلاب فرانسه در کشورهایمانند انگلستان، لهستان، اسپانیا، روسیه، کشورهای بالکان، اسکاندیناوی، کانتونهای سوئیس، آلمان، و ایتالیا تغییرات شگرف به وجود آورد. در واقع، انقلاب فرانسه، به مثابه اولین انقلاب دوران تجدد، سرفصل تغییرات مهمی در این کشورها و آینه دار آرمانهای خود در این کشورها شد و بدین ترتیب، توانست از يك حرکت ملی به حرکتی جهانی تبدیل شود اما شیوه و روش صدور این انقلاب ها که توسط سلطنت انجام میگرفت معمولاً در قالب لشکر کشی های متعددو تحمیل قانون اساسی به کشورهای فتح شده توسط ناپلئون و تغییر ساختار سیاسی و حکومتی بود.

بعد از انقلاب روسیه امواج انقلابی نیز وجود داشت. پیروزی انقلاب روسیه سلسله واکنشهایی در گوشه و کنار جهان ایجاد کرد، از جمله قیام مجارستان، قیام مارس ۱۹۱۹ کره، ۴ مه ۱۹۱۹ چین، در سالهای ۱۹۲۲-۱۹۱۸ هند، شورشهای ۱۹۱۹ افغانستان علیه انگلیس، و شورش جنگلی ایران در ۱۹۲۰ در ژانویه ۱۹۱۹ اسپارتاکیست ها در برلین به تأثیر از انقلاب روسیه قیام کردند که سرکوب شدند. طغیان ملوانان فرانسوی در دریای سیاه در آوریل ۱۹۱۹ باعث شد که حکومت جمهوری سوم از عملیات نظامی خود در جنوب شوروی منصرف شود و در سپتامبر ۱۹۱۹ انگلستان تحت فشار کارگران، نیروهای تجسسی خود را از شمال انگلستان فراخواند.

اما سر انجام اختلاف بین رهبران کشور اتحاد جماهیر شوروی که از هنگام حیات لنین آغاز شده

بود با مرگ او تشدید شد. پس از او در سال ۱۹۲۷ استالین قدرت را به دست گرفت.

انقلاب روسیه از این تاریخ به مدت ۲۵ سال تحت حکومت دیکتاتوری خشن استالین بود. او در این مدت مرتکب جنایت ها و قتل عامل های فجیعی شد اما توانست با اتکا به حکومت مستبد خود، شوروی را به پیشرفت هایی در زمینه ی صنعت برساند. به همین علت، آن کشور پس از جنگ جهانی دوم تبدیل به یک ابر قدرت در مقابل آمریکا شد. پس از مرگ استالین رهبران دیگر شوروی مقداری از سیاست های او را تعدیل کردند، ولی تا اواخر دهه ی ۱۹۸۰ م جنگ سرد بین آن کشور و آمریکا با فراز و نشیب هایی ادامه داشت. تا این که در سال ۱۹۹۰ میلادی، کشور اتحاد شوروی فرو پاشید و پانزده کشور مستقل از بقایای آن تشکیل شدند. ولی روسیه به صورت رسمی جانشین شوروی سابق شد.

در انقلاب ایران اما روش صدور انقلاب متفاوت از سایر انقلاب ها بود و در واقع صدور کلمه و شیوه و روش انقلاب به سایر ملت‌ها با هدف آشتی بین ملت ها و معرفی اسلام و مبارزه با ظلم و استکبار است که می‌توان جلوه‌های آن را در بیداری جهانی و بیداری دنیای اسلام، کشورهایی چون لبنان، نیجریه، لیبی، مصر، بحرین، سوریه، الجزایر، اردن، مراکش، عمان و جنبش وال استریت آمریکا مشاهده کرد.

انقلاب اسلامی ایران پس از گذشت ۳۷ سال با وجود دشمنی های داخلی و خارجی و تلاش نظام سلطه برای شکست انقلاب اسلامی هم چنان به مسیر خود ادامه داده و این انقلاب منشاء بسیاری از ظلم ستیزی ها در سراسر دنیاست و هر لحظه موفقیت ها و پیشرفت های چشم گیری در زمینه های مختلف از جمله موفقیت های علمی(پزشکی و دارو، هوافضا، فناوری هسته ای و...) و خودکفایی سیاسی و اقتصادی با اتکا به فرهنگ غنی اسلام و مشارکت‌های ملت ایران دارد.



مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

اینکه یک انقلاب بتواند پماند، بتواند خودش را نگه دارد، بتواند با دشمنان خودش پنجه در بپفکند، بتواند بر آنها غالب بشود، خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ انقلاب ما تنها انقلابی است که این کار را توانسته است بکند، بعد از این هم باید بتواند بکند.

مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

رمن ماندگاری

مقایسه شرایط کلی انقلاب اسلامی ایران

با انقلاب فرانسه و شوروی



رژیم‌های سه گانه، یعنی هم برین‌ها در فرانسه، هم رومانف‌ها در روسیه و هم پهلوی در ایران از لحاظ فساد و ضد مردمی بودن شباهت خیلی زیادی داشتند و تفاوت‌های زیادی نیز بین آن رژیم‌ها وجود داشته. یکی از این تفاوت‌ها را میتوان ضعف بسیار شدید رژیم های حاکم بر فرانسه و روسیه دانست که خود این موضوع یکی از عوامل سقوطشان بود ولی رژیم پهلوی در اوج قدرت خود بود و کسی اصلاً فکر نمی‌کرد این رژیمی که همه قدرت‌های جهانی از او حمایت می‌کردند و از لحاظ اقتصادی به دلیل افزایش قیمت نفت در موقعیت بسیار خوبی بود و همچنین مشاوران خارجی با کمک تکنوکرات‌ها مشغول اداره آن بودند، چگونه ممکن است این چنین ساقط شود؟! زیرا که آن دو رژیم فرانسه و روسیه از چهار عنصر قدرت بی‌بهره بودند.



● مقایسه شرایط نظامی

رژیم های فرانسه و روسیه اولاً از لحاظ نظامی کاملاً ضعیف بودند، علتش هم این بود که در جنگ‌های قبل از انقلاب‌های‌شان شکست‌های سختی متحمل شده بودند، رژیم فرانسه چهار جنگ هفت ساله را پشت سر گذاشته بود، یعنی ۲۸ سال می‌گذشت که در حال جنگ بود و در تمام آن‌ها نیز شکست خورده بود به طوری که ارتش فرانسه به جای حمایت از پادشاهی، علیه لویی شانزدهم قیام کرد. عین این اتفاق نیز در روسیه رخ داد، یعنی روسیه هم در جنگ سال ۱۹۰۵ با ژاپن شکست سختی خورده بود و هم در اوج شکستش در جنگ جهانی اول با این انقلاب مواجه شد، یعنی سربازان روسی، گرسنه، تشنه و پابرنه با تحمل شکست از جنگ کریمه برمی‌گشتند و همین افراد بودند که علیه نیکولای دوم، آخرین تزار روسیه قیام کردند، ولی در ایران درست برعکس بود، یعنی ارتش ایران به مدت ۵۰ سال در هیچ جنگی شرکت نکرده بود، همچنین این‌که مأموریت آن بنا به خواسته غرب و مخصوصاً آمریکا گسترش یافته بود تا جایی که به عنوان ژاندارم منطقه انتخاب شده بود و از آخرین و مدرن‌ترین تجهیزات تسلیحاتی برخوردار بود و کاملاً وفادار به رژیم شاه بود، به طوری که سازمان های اطلاعاتی آمریکا CIA و BIA پنج ماه پیش از پیروزی انقلاب، در مرداد سال پنجاه و هفت تحلیلی برای کاتر نوشتند تحت این مضمون که رژیم ایران اولاً در شرایط پیش از انقلاب و انقلاب نیست، ثانیاً رژیم پهلوی تا ده سال دیگر هم کاملاً امن و قدرتمند بر اریکه قدرت خواهد بود.

○مقایسه شرایط اقتصادی

از لحاظ اقتصادی نیز وضعیت ایران درست برعکس آن دو کشور دیگر بود، یعنی خزانه لویی شانزدهم بسیار تهی بود، تا این حد که حتی بودجه سالیانه دولت نمی‌توانست نیمی از بهره قروض خود را نیز بپردازد و عیناً در روسیه نیز همین‌طور بود، هزینه‌های جنگ کمرشکن شده بود و دولت نیکولای دوم واقعاً دست به دامن مردم شده بود و مجبور بود با افزایش قیمت‌ها خزانه خود را پر کند، آن دوران در هر دو کشور نیز قحطی غوغا می‌کرد به طوری که این دو انقلاب با شورش نان شروع شد، یعنی آن‌قدر نان کم بود و قحطی وجود داشت که دولت نیز نمی‌توانست نان معمول مردم را تأمین بکند، به همین خاطر مردم دست به انقلاب زدند. ولی در رژیم پهلوی عکس این ماجرا در جریان بود، یعنی در سال ۵۲ با افزایش نجومی قیمت نفت، دولت صاحب مال و ثروت عجیبی شد که نه تنها قروض قبلی خود را پرداخت

کرد، بلکه وام دهنده به سایر کشورها من جمله دولت‌های غربی نیز بود و با وجود تبعیض‌های اجتماعی ولی حکومت این قدرت را داشت که شکم تمامی مردم را سیر کند و اگر چیزی هم کم داشت با ورود کالاهای مصرفی از خارج می‌توانست مردم را راضی کند به طوری که وضعیت خورد و خوراک مردم در دوران قبل از انقلاب به نسبت ده سال قبل از آن بسیار بهتر شده بود و این چیزی است که ما می‌بینیم، تا این حد که حتی انقلابیون نیز دارای توانمندی بودند که بتوانند مردم را سیر کنند، حتی زمانی که مردم اعتصاب کرده بودند و به طبع حقوق نمی‌گرفتند.

بنابراین از لحاظ اقتصادی نیز هیچ گونه شباهتی بین دوران انقلاب ایران با انقلاب‌های فرانسه و روسیه وجود نداشت.

○مقایسه شرایط سیاسی

از لحاظ سیاسی نیز کشور فرانسه به دلیل ناتوانی لویی شانزدهم توسط همسرش، ماری آنتوان و معشوقه‌های او اداره می‌شد. آن‌ها نیز به تنها

چیزی که فکر نمی‌کردند اداره کشور بود. این جمله معروف است از آن دوران در وقتی که شورش نان در فرانسه آغاز شد، ماری آنتوانت از همراهانش پرسید چه خبر شده؟! مردم برای چه اعتراض می‌کنند؟! همراهان او گفتند که مردم به خاطر گرسنگی اعتراض می‌کنند؛ آن‌ها نان برای خوردن ندارند. ماری آنتوانت گفت: خب اشکالی ندارد، بروند و مدتی را با خوردن بیسکویت بگذرانند این‌قدر حاکمان آن کشورها از اوضاع مردم خود بی‌خبر بودند.

در روسیه نیز همین‌طور بود. در این کشور نیز یک پادشاه خرافاتی و ضعیف در صدر حکومت بود به طوری که یک تبهکار به نام راسپوتین نقش اول را در اداره کشور ایفا می‌کرد و آن هم با درباریان فاسد ارتباط داشت و او بود که تعیین می‌کرد چه زمانی وارد جنگ شوند و چه زمانی را در صلح سپری کنند، که تاریخ هم به عنوان فردی فاسد از او یاد می کند.

اما در ایران علی رغم فسادِی که بر دربار حاکم بود، ولی هشتاد هزار کارشناس خارجی با برنامه‌ریزی‌هایی که در امریکا طرح‌ریزی می‌شد، کشور را اداره می‌کردند و می‌بینیم از لحاظ سیاسی نیز دولت ایران در آن زمان با دولت‌های فرانسه و شوروی قابل مقایسه نبود.

○چگونگی حمایت‌های بین‌المللی از انقلاب‌ها

از لحاظ حمایت‌های بین‌المللی اگر نگاهی به تاریخ بیاندازیم، می‌بینیم دولت لویی شانزدهم در شرایطی بود که نه تنها هیچ دولت دیگری حمایتش نمی‌کرد بلکه تمام دولت‌های اروپایی با او در حال جنگ بودند و دولت‌های خارجی مانند انگلیس، اسپانیا و روسیه در آن زمان به مخالفین حکومت لویی شانزدهم نیز کمک می‌کردند.

عین این جریان در روسیه نیز وجود داشت، یعنی در روسیه هم دولت روس تنها شده بود، و طرفدارانش هم که در جنگ جهانی اول در یک جبهه حضور داشتند گرفتار مسائل داخلی بودند و دولت‌های

دیگری مانند فرانسه و آلمان هم در مقابل روسیه قرار گرفته بودند به طوری که آلمان به لنین برای رسیدن به مسکو کمک کرد تا بتواند انقلاب را به راه بیاندازد. در حالی که در ایران درست برعکس بود و علی‌رغم وجود نظام دو قطبی در جهان، هر دو قطب تا لحظه آخر از رژیم پهلوی حمایت می‌کردند. بعد از نهضت امام، این رژیم مورد حمایت غرب و شرق بود، به طوری که در قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ که آن فاجعه اتفاق افتاد، هم انگلیس، هم امریکا، هم روسیه و هم کشورهای منطقه تماماً به کمک شاه آمدند و نهضت امام را محکوم کردند.

این هم نکته جالبی است که رژیم پهلوی حتی از حمایت دولت چین انقلابی نیز بهره‌مند بود چینی که در سال ۱۹۴۲ انقلاب کرده بود، بعد از ماجرای ۱۷شهریور سال۵۷ رئیس جمهور وقت چین برای دلداری شاه به تهران سفر می‌کند. بنابراین رژیم پهلوی از تمامی حمایت‌های جهانی نیز بهره‌مند بود و می‌توانیم بگوییم که در این زمینه رژیم‌های قبل از انقلاب فرانسه و روسیه در ضعیف‌ترین شرایط بودند و با یک تلنگر فرو ریختند اما رژیم پهلوی نسبت به مقایسه با سایر رژیم‌های قبل از انقلاب و هم در مقایسه با سال‌های قبل خودش در اوج استحکام و قدرت بود.

○اهمیت و تأثیر مکاتب در انقلاب‌ها

چطور شد با وجود قرار داشتن در این سطح از قدرت سیاسی و اقتصادی و نظامی، مردم انقلابی ایران توانستند چنین حرکتی را با دست خالی به سرانجام برسانند؟ در حالی که در دو انقلاب دیگر جنگ مسلحانه نیز شکل گرفت ولی ملت ایران توانست با دست خالی، آن هم به خاطر قدرت انقلابی به پیروزی برسد.

سه عنصر در این قدرت انقلابی نقش داشت.

یک عنصر، مکتب انقلاب بود، مکتب ما مکتب اسلام بود که در واقع نگاهش نگاهی صرفاً دنیایی نبود، بلکه برای سعادت آخرت هم در کنار

سعادت دنیا می‌جنگید.

دوم این‌که ریشه در جامعه ما داشت، به مدت هزار و چهار صد سال. در حالی که توده های مردم با مبانی مکاتب لیبرالیستی و مارکسیستی اصلاً آشنا نبودند و باید مبانی این مکاتب را در کلاس‌هایی برای نخبگان ارائه می دادند و سپس با تزریق آن‌ها در بدنه اجتماع به تفهیم مردم می پرداختند.

ولی در کشور ما قرآن که کتاب انقلاب بود در هر خانه‌ای پیدا می‌شد و بنابراین عظمت مکتب انقلاب ما در مقابل مکاتب مادی گرایانه دیگری که وجود داشت از بعد و گستره بیش‌تر برخوردار بود. سومین عنصر مشارکت مردم در انقلاب بود که اصلاً قابل مقایسه با میزان مشارکت در دو انقلاب فرانسه و روسیه نیست. معروف است که می‌گویند انقلاب فرانسه، انقلابی بورژوازی و یا به قول خودشان انقلاب اشرافی بود، و یک گروه بسیار ضعیف و اندکی دست به انقلاب زدند. یعنی از جمعیت بیست میلیونی فرانسه، فقط در پاریس آن هم نخبگان پاریسی که صاحب ثروت و دانش بودند قیام کردند،

جمعیتی در حدود یک در صد کل جمعیت فرانسه را انقلابیون تشکیل می‌دادند. در روسیه نیز می‌گویند انقلاب، انقلاب کارگران و سربازان بود که آن هم به دو شهر مسکو و پترزبورگ محدود می‌شد.

ولی انقلاب اسلامی، انقلاب تمامی اقشار مردم بود؛ تمامی مردم اعم از روستایی و شهری در آن نقش داشتند و یک‌دفعه حکومت را از کار افتاد به طوری که واقعاً هرم قدرت نظام شاهنشاهی از پایه سست شد و فرو ریخت و نه از بالا، فرماندهان نظامی بودند ولی سربازی نداشتند چون همه آن‌ها فرار کرده بودند و به مردم پیوستند، وزرا بودند ولی کارمندی نداشتند، مدیران کارخانه‌جات بودند ولی کارگری نداشتند و لذا فروپاشی نظام شاهنشاهی علی‌رقم تمام اقتداری که داشت خیلی زود اتفاق افتاد.

بنابراین این مقایسه به ما نشان می‌دهد که این انقلاب یک انقلاب عظیم است، به طوری که اگر ما انقلاب فرانسه را انقلاب کبیر بدانیم، انقلاب ما انقلاب اکبر است.

○بررسی اتفاقات بعد از انقلاب‌ها

در کشورهای فرانسه و روسیه انقلاب با پیروزی و سقوط رژیم قبلی آغاز نشد بلکه به پایان رسید، به این معنا که مردم از صحنه خارج شدند، انقلابیون را کنار زدند و صاحبان قدرت به آن دست یافتند و حتی انقلابیون این دو انقلاب با تیغ گیوتین و تبعید به سیبری مواجه شدند، مردم را از صحنه بیرون کردند، انقلابیون را از سر راه برداشتند و حکومت کردند. در ایران نیز این سابقه در نهضت مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت اتفاق افتاده بود، مشروطه پیروز شد ولی مشروطه خواهان حذف شدند، ستارخان و باقرخان و آیت الله طباطبایی و شیخ فضل الله نوری و همه این‌ها به چوبه اعدام سپرده شدند و در نتیجه میرزا ملکم‌ها و تقی‌زاده‌های فاسد آمدند و جای انقلابیون را گرفتند. در جریان ملی شدن صنعت نفت نیز چنین اتفاق رخ داد؛ در انقلاب اسلامی نیز برنامه همین بود به طوری که وقتی دولت موقت سر کار آمد، آقای بازرگان در تلویزیون از مردم انقلابی و روحانیونی که رهبری انقلاب کرده بودند تشکر کرد و مردم را به زندگی عادی و روحانیون را به بازگشت به حوزه های علمیه دعوت کرد تا تکنوکرات‌ها به اداره ی امور کشور بپردازند. در این‌جا بود که حضرت امام نهیب زدند و فرمودند مردم و روحانیت باید در صحنه باشند، و اگر این دو صحنه را ترک کنند این انقلاب دچار همان سرنوشتی خواهد شد که گریبان‌گیر نهضت‌های مشروطه و ملی شدن صنعت نفت شد .

در واقع می توان گفت از لحاظ تئوریک در انقلاب‌های فرانسه و روسیه نظام‌های جدید جای انقلاب را گرفت و انقلاب تمام شد ولی در انقلاب اسلامی، نظامی تولید شد و خود انقلاب متوقف نشد و ادامه پیدا کرد . این‌که امروز بعد از ۳۵ سال می‌بینیم که انقلاب اسلامی هم‌چنان با گذشت و تغییر ع نسل، جوانانی دارد که روحیه انقلابی همانند

.....

France

1789-1799